با ما در ارتباط باشید

info@shahrara.com — رایانامه
۳۰۰۰۷۲۸۹ — پیامک
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ — پیام رسان
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ — تلفن

شهرداری

شهروند| قابل توجه شـــهرداری منطقه ۷؛ چندین سال است که قرار است قسمتی از کانال صبا ۱۵/۱ پوشیده شود و خیابان ۲۴متری احداث شود ولی این خیابان همچنان خاکی و بدون روشنایی به حال خود رها شده است. از شهرداری منطقه درخواست رسیدگی می کنیم.

۰۹۱۵۰۰۰۶۵۶| قابل توجه شـــهرداری منطقه ۷؛ آســـفالت خیابان نقیبی‌فرد در ســـیدی، خیلی دست‌انداز دارد. لطفا رسیدگی کنید.

۷۱۸...۰۹۳۷| چرا ســـدمعبر مشاغل شـــهری در منطقه ۸ شـــهرداری، ضعیف کار می کند و با کســـانی که سدمعبر می کنند، برخورد نمی کند؟

۹۱۵...۰۲۹| شهردار محترم! توس ۹۷(کال زرکش) نیاز ویژه به نگاه و همت شـــما دارد. آیا مردم این منطقه جزو مشهد نیستند؟

کرونا

شـــهروند| از روزی که معلوم شـــد رعایت نکردن بهداشت باعث شیوع کرونا می‌شود، می‌توان گفت کرونا دســـت‌پرورده انسان‌هاســـت. باید از رعایت نکردن بهداشت بیشتر ناراحت باشیم تا از کرونا. اگر شرایط سرایت را برای کرونا سخت نکنیم، با شیوع بیشتر آن سه عیب دیگر در جامعه شـــایع می‌شود؛ افســـردگی، دزدی و نیازمندی.
عباسی

شهروند| به‌علت وضع نابســـامان کرونا، صاحبخانه‌ها نباید اجاره‌ها را در سال ۹۹ افزایش بدهند. محمودزاده

۰۹۳۵۰۰۰۳۹۳| پیگیری کنید طرحی در فـــرودگاه، پایانه مسافربری و راه‌آهن به اجرا گذاشته شود تا از ورود مسافران خوزستان و بوشهر که کرونا در آنجا طغیان پیدا کرده است، جلوگیری شود.

سازمان ثبت اسناد

۷۷۳...۰۹۱۵| اداره ثبت مشـــهد چرا با موسسات و شـــرکت‌هایی که مدعی هســـتند برای خانه‌های قولنامه‌ای سند می گیرند، برخورد نمی کند؟

بازار خودرو

شهروند| درمورد سایپا نوشتید، در مورد ایران‌خودرو هم بنویسید. خیلی‌ها ثبت‌نام کرده‌اند و الان که دو سال گذشته است، هنوز ماشین‌ها را تحویل نمی‌دهند. اگر می گویند قطعات خودرو ناقص است، به نظر من دروغ است، پس چرا برای فروش فوری ثبت‌نام می کنند؟

شـــهروند| من یک معلم هســـتم. چند ماه دنبـــال یک وام چهل‌میلیونی بودم که یک دستگاه پراید بخرم. الان که وام را گرفته‌ام، پراید مدل ۹۰ به بالا قیمتش شده است ۴۸میلیون تومان. واقعا این ظلم نیست؟ چرا مسئولان جلوی دوربین یک چیز اعلام می کنند و پشت دوربین چیز دیگری؟

شـــهروند| چرا دولت قیمت واقعی خودرو را بعد از دو سال مشـــخص نمی کند؟ نکند اینجا هم مردم مقصر هســـتند؟ چطور قیمت گندم در یک جلسه دوساعته تعیین می‌شود اما قیمت خودرو را هنوز نمی‌توانند تعیین کنند؟

شهروند| اگر قیمت ساینا فول ۵۹میلیون تومان است، چرا کارخانه از ما ۷۱میلیون تومان دریافت کرده است و هیچ‌کس هم جواب‌گو نیســـت؟ به کارشناسان ســـایپا هم که زنگ می‌زنیم، پاسخ درستی نمی‌دهند. قربانعلی

شهروند| با پول مردم، خط تولیدشان را راه‌اندازی می کنند و به‌جای اینکه خودروهای ثبت‌نامی ما را بدهند، تولیداتشان را وارد بازار می کنند. سه ماه از زمان تحویل خودروی کوییک من گذشته است اما همچنان تنها حرفی که می‌شنویم، این است: صبر کنید.

متفرقه

شـــهروند| کاش به مردم یـــادآوری کنیم که برای فضای ســـبز باغ‌هایشـــان، کمتر از چمـــن و گل و درختان تزیینی اســـتفاده کنند. به‌جـــای گل، صیفی‌جات بکارند. به‌جای درخت تزیینی، درخـــت میوه بکارند. با این شرایط تورم و رکود، از محصول خودشان استفاده می کنند و کمکی هم به سلامتی و اقتصاد خانواده می‌شود. هم تفریح است هم درآمد. آرام

شـــهروند| ما دانشـــجویانی که کلی هزینـــه بابت تحصیل پرداخته‌ایـــم و مهارت و تخصصی در دانشـــگاه یاد گرفته و مدرک هم گرفته‌ایم، چرا باید برای اســـتخدام به مشـــکل برخورد کنیم و حســـرت بخوریم؟ جامعه به همه افراد نیاز دارد. حالا یک عده با شرایط خاصی از سربازی معاف شده‌اند، چرا باید حق ما و امثال ما ضایع شود؟ خواهش می کنم این مطالب را به گوش مسئولان برسانید. محمد قاسمی

شهروند| چرا با هر شماره‌ای که در فرمانداری مشهد تماس می گیریم، کسی جواب گو نیست؟ ابراهیم‌نژاد.

شهروند| تالارها همچنان بسته است. صدای ما هم به جایی نمی‌رسد. لااقل بگویید چه زمانی قرار است باز شود؟

قوه قضائیه

شهروند| آقای رئیسی! دلیل بیشتر طلاق‌ها اعتیاد است. اگر مرزها بیشتر کنترل شود، به این راحتی مواد وارد نمی‌شـــود. چرا باید کشـــور ما نخســـتین کشور وارد‌کننده مواد باشد؟ تاسف‌بار است.

شهرآرا
روزنامه شهروند
۲شنبه
۱۹ خرداد ۱۳۹۹
۱۶ شوال ۱۴۴۱
شماره ۳۱۲۲
SHAHRARANEWS.IR
۰۴
جامعه

انگیزه پرستاران را نکُشیم

قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری سال‌هاست خاک می‌خورد و پرستاران را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است

سعیده آل ابراهیم
s.aleebrahim@shahraranews.ir

گزارش روز

«مدافعان سلامت» لقبی است که کادر درمان بیمارســـتان‌ها این روزها یدک می‌کشند. اغلبشـــان نه منتی دارند و نه توقع ویژه‌ای. دلسوزانه در مراکز مبارزه با کرونا مانده‌اند تا کمکی کرده باشـــند. برخی‌شان که فرزند شیرخواره دارند، حتی می‌توانسته‌اند به مراکز درمانی دیگری که در آن‌ها رد و خبـــری از بیماران مبتلا به کرونا نیست، منتقل شوند اما دلشان به این جابه‌جایی راضی نشده است. با خود گفته‌اند: «امروز بیشـــتر از هر روز دیگری به ما نیاز است.

ابراهیم آریامقدم که ۹سال به‌عنوان کارشناس فوریت‌های پزشکی در اورژانس خدمت کرده است، از این گله دارد که خدمات آن‌ها دیده نمی‌شود و اینکه خیلی از اقدامات درمانی را که پرستاران در بیمارستان‌ها به‌صورت تیمی انجام می‌دهند، کادر اورژانس باید دونفری یا گاه دست‌تنها انجام دهند. او می‌گوید: معمولا معاونت پرستاری وزارت بهداشت، پرستاران را به‌صورت جامع نمی‌بیند؛ به‌طور مثال پس از ۱۰سال از تصویب قانون بهره‌وری، همکاران ما توانستند مسئولان را قانع کنند که این قانون باید کادر فوریت پزشکی را نیز شامل شود، آن‌هم با شکایت به دیوان عدالت اداری. او ادامه می‌دهد: در قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، عنوان کلی «جامعه پرستاری» آمده است. حالا اگر بعد از این همه سال این قانون اجرا شود، باز این ترس برای کادر فوریت‌های پزشکی وجود دارد که دوباره ناچار شوند به دیوان عدالت اداری شکایت ببرند.

نبود انگیزه؛ عامل تشدید کاهش نیرو

اشاره این کارشناس فوریت‌های پزشکی به قانونی است که ۱۳تیر ۸۶ در مجلس تصویب شد و تایید شورای نگهبان را هم گرفت. طبق این قانون، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است استاندارد بسته‌های خدمات تشخیصی‌درمانی کادر پرستاری همه مراکز بهداشتی‌درمانی کشور را تعیین کند و با هماهنگی وزارت وقت رفاه و تأمین اجتماعی در چارچوب سرانه مصوب، تعرفه سالانه خدمات فوق را پیشنهاد کند تا پس از تأیید شورای‌عالی بیمه خدمات درمانی، به تصویب هیئت‌وزیران برسد.

اما گویا پس از ۱۱سال فراموشی، این قانون بازهم اجرا نمی‌شود. همین است که آریامقدم معتقد است: «اگر قرار باشد قانون تعرفه‌گذاری هم به این صورت برای کادر اورژانس اجرا نشود، قطعا نیروهای زیادی کارشان را رها خواهند کرد.» او می‌گوید: با اجرای این قانون ناقص، پایگاه و آمبولانس هست، اما نیروی درمانی نداریم. ضمن اینکه زمان استاندارد رسیدن به بالین بیمار در داخل شهر، به‌خاطر تعطیلی پایگاه‌ها خیلی بیشتر از هشت دقیقه معمول خواهد شد و شکایات مردم هم در این زمینه بیشتر می‌شود.

این نیروی درمانی اورژانس از نگاه تبعیض‌آمیز به کادر فوریت‌های پزشکی گلایه دارد: «گاهی به چشم یک زیردست یا حتی راننده به ما نگاه می کنند و خدمات تخصصی ما را نادیده می گیرند.» او با بیان اینکه «کادر فوریت پزشکی، گاهی ناچار است بدون هیچ مشاوره پزشکی در همان محل حادثه برای بیمار تصمیم بگیرد»، از نادیده گرفتن چنین شرایطی دلخور است و می‌گوید: در بیمارستان یک پرستار، کار را تحت‌نظر پزشک انجام می‌دهد، اما کادر فوریت پزشکی با مسئولیت خودشان کار را انجام می‌دهند که بازهم درنهایت در برگه خدمات، به اسم پزشک ثبت می‌شود.

> **ساده‌ترین کار در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها وصل سرم، تزریقات، گرفتن نوار قلب و... است که پرستاران این اقدامات را انجام می‌دهند اما پول آن به جیب پزشکان می‌رود**

آریامقدم سپس به برخی از این شرایط ویژه اشاره می کند: «مثل انجام زایمان در آمبولانس یا احیای قلبی و ریوی که در بیمارستان یک تیم حداقل پنج‌نفره آن را به‌عهده می گیرند اما در اورژانس، تنها دو نفر که در کابین عقب آمبولانس حضور دارند، این کار را انجام می‌دهند.»

به گفته این کارشناس فوریت‌های پزشکی، پرستاران بخش‌های روان و سوختگی، جزو نیروهایی هستند که ضریب سختی کارشان بالاست، اما چنین تصوری برای شغل ما اصلا نیست، درحالی که باید قبول کنیم بیماران بدحال پیش از اینکه در بخش‌های بیمارستان‌ها به حالت عادی برسند، توسط کادر فوریت می‌مانیم. مهم نیســـت که بســـیاری از همکارانمان هر روز به این بیماری مبتلا می‌شوند و جانشان را می گذارند پای بودنشان.»

درمقابل دغدغه‌هایی هم دارند؛ دغدغه‌هایی که مسئولان باید برای رفعش، کاری بکنند و قدمی بردارند. کافی است هم‌صحبت کادر درمانی شـــوید تا ببینید این دغدغه‌ها برای پرستاران قدیمی‌تر، بیشتر است. سال‌هاست که پرســـتاران از اجحافی که در حقشان می‌شود، گله دارند. این برداشـــت، از خاک خوردن چندین‌ساله قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری می‌آید و اینکه اغلب اقداماتی که در حیطه کار پرستاران است، در سیستم بیمارستان‌ها و بیمه به نام پزشکان ثبت می‌شود. خلاصه اینکه حرف پرستاران یا همان مدافعان سلامت، این است که «مسئولان، کلاهشان را قاضی کنند و حق پرستاران را ادا کنند.»

۳سال پس از تصویب یک تعرفه

تیرماه ۱۳۸۶
تصویب طرح تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی

۲ دستگاه
اجراکننده این قانون در آن زمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی تعیین شدند.

۷۰ درصد
قرار بود اگر پرستاری بیش‌ازخدمات تعیین‌شده، خدمتی انجام دهد، ۷۰درصد درآمد حاصل از آن خدمت اضافی به‌خود پرستاران تعلق گیرد.

۱۰۰ خدمت
۱۰۰خدمت پزشکی را پرستاران انجام می‌دهند اما مُهر آن را پزشکان می‌زنند.

سال ۱۳۹۰
تصویب قانون ارتقای بهره‌وری که مبنای آن، کاهش ساعات کار و سختی کار و افزایش مرخصی پرستاران بود، به نتیجه نرسید.

سال ۱۳۹۱
تشکیل معاونت پرستاری و پدید آمدن امیدهای تازه برای اجرای قانون تعرفه‌گذاری

قمر فاطمیون

۴ماه و ۲روز عاشقی به روایت همسر شهید حسین هریری

الهام مهدیزاده
e.mahdizadeh@shahraranews.ir

پلاک سرخ

«چهره‌اش از آن چهره‌های کاریزماتیک و خاص بود. این حرف من نیست. هر کس حسین را دیده بود، می گفت چهره‌اش اســـت؛ از آن چهره‌های خاصی که رنگ‌وروی شهادت دارد.» چندباری از سر شوخی به او گفتم: «حسین‌آقا! حسین‌جانم! می‌دونی چقدر چهره‌ت رو دوست دارم؟» هردفعه که این جمله را می گفتـــم، نگاهی خاص به من می کرد و من فوری ادامه می‌دادم: «به جون زهرا، نمی‌خوام بگم که برای دفاع از حرم نرو؛ برو اما فقط قول بده مراقب چهره‌ت باشی.» دقیقا سه‌ماهی از عقدمان گذشته بود که محرم شروع شد. آن سال شـــهرداری در طرحی با عنوان «همه خادم‌الرضاییم» عکس تعدادی از مشاغل و مردم مشـــهد را روی بیلبوردهای شـــهری نصب کرد. یکی از آدم‌های داخل آن عکس، حسین من بود. آن روزها و قبل از آنکه حســـین برای آخرین‌بار به ســـوریه برود، عکسی از چهره‌اش با همان لباس دفاع مقدس گرفتند. آن تصویر تا مدتی روی بیلبوردهای شهر بود. حســـین رفت و من با چهره‌اش روی بیلبوردهای خیابان‌های شهر ذوق می کردم. ۱۰روز نگذشته بود که او برگشت. حسین من آمد، روی دست مردم. با چهره‌ای که ترکش‌ها گلگونش کرده بودند. متولد ۷۶ است. از آن دهه‌هفتادی‌های خاص، از آن‌هایی که رفتار و حرف زدنش برخلاف سن شناسنامه‌ای، بوی پختگی دارد. انگار سال‌های سال راوی مدافعان حرم بوده است. زهرا سادات رضوی، همسر شهید حسین هریری، راوی چهار ماه و دو روز از خوش‌ترین روزهای زندگی‌اش اســـت. صحبتمان با زهرا خانم یک ساعت و ۴۰دقیقه‌ای طول می کشد و او خاطراتش را از شب خواستگاری تا شب خداحافظی با این شهید مدافع حرم روایت می کند.

عهدی از جنس جهاد

روایت زهرا خانم از ماه رمضان ســـه سال قبل و شب‌های خواستگاری شروع می‌شود: «دقیقا اولین روز ماه رمضان سال ۹۵ بود که مادر حسین آقا برای خواستگاری با مادر من صحبت کرد؛ البته خانواده‌های ما از مدت‌ها قبل با هم آشنا بودند. پدرم بازرس شرکت قطار شهری است. آن زمان حسین آقا هم در مجموعه بازرسی قطار شهری مشهد کار می کرد. حسین آقا همان جلسه اولی که به خواستگاری آمد، از خواست قلبی‌اش گفت: «زندگی با من شرایط خاصی داره و من ترجیح می‌دم همین اول به شما بگم. من تا هر وقت که صحبت از دفاع و حریم و امنیت باشه، آروم‌وقرار ندارم. من نمی‌تونم تو این دنیا باشم اما بگم بی‌خیال اینکه چه اتفاقی برای بقیه میفته. من اگر الان که جوونم از جوونیم برای دفاع استفاده نکنم، نمی‌تونم بعداً جلوی بچه‌م سرم رو بلند کنم. ببینید من تا هر وقت و هر زمان که فرمان جهاد بدن، می‌رم.»

حرف‌هایش را پشت‌سر هم می گفت و من همان‌طور که چشـــم به زمین دوخته بودم، جملاتش را در ذهن مرور می کردم. گاهی هم تصور می کردم اگر همسر او باشم و او برای جهاد برود، چه‌کار می کنم. همه اتفاقات حتی آخرین حالت را که شهادت او بود، مرور کردم. در همین حال‌واحوال بودم که حسین جمله آخرش را گفت: «می‌دونم خواسته بزرگیه اما می‌خوام بادقت فکر کنین، بعد جواب بدین.»

آینده روشن مدافعان حرم

حرف‌های زهرا خانم بـــا بوی چای دم‌کشـــیده و صدای استکان‌های پرچای برای لحظاتی قطع می‌شود. مادرش با سینی چای وارد اتاق می‌شود: «بفرمایید چای!» صحبت زهرا خانم بـــا حال دگرگون آن روزهایـــش ادامه می‌یابد: «روزهای سختی بود؛ چون باید تصمیم مهمی می گرفتم و پای تصمیمم می‌ماندم. آن روزها هر کس که مرا می‌شناخت، با هر زبانی که می‌توانست، به من می‌فهماند که این کار را نکنم. می گفتند تو سنی نداری. می گفتند در هجده‌سالگی همسرت را از دســـت می‌دهی. می گفتند داعش به کسی رحم نمی‌کند. می گفتند آینده مدافعان حرم روشن است.» با همه این حرف‌ها چند روزی فکر کردم. باید خودم را در این چند روز حلاجی می کردم که آیا توان و تحمل نبودنش را دارم؟ یکی از آن شب‌ها برای افطار سر مزار شهدا رفتیم. بعد افطار از خانواده خواستم که سر مزار شهدا خلوت کنم. دنبال چیزی بودم که آرامم کند. آن شب، شب عجیبی بود. انگار شهدا مرا به‌سمت‌وسوی خودشان می کشاندند. همه حرف‌های دلم را به شهدا گفتم و برای گرفتن این تصمیم بزرگ، مصمم و آرام شدم.

مراسم بله‌وبرون من و حسین‌آقا نیمه ماه مبارک رمضان که شب میلاد امام حسن‌مجتبی(ع) بود، برگزار شد. آن شـــب بزرگ‌ترها قرارومدار عقدمان را برای روز عید فطر گذاشتند.»

رفت به خاطر هدفش

زهرا خانم روزهای عقدش را با شـــوق به تصویر می کشد: «چه روزهایی بود! شـــوخی‌ها، تفریح‌هـــا. خیلی‌ها فکر می کنند هر کســـی که مدافع حرم یا رزمنده شـــد، هیچ خوشی و تفریحی ندارد اما حسین من این‌طور نبود. کارش را انجام می‌داد و از تفریح و با من بودن هم کم نمی گذاشت. همان سه‌ماهی که باهم بودیم، چندبار به ماموریت رفت

عکس: جواد کرمانی| شهرآرا

برای دریافت پکیج پیشنهادی موثرترین و کم هزینه‌ترین انواع تبلیغات
عدد ۲۰۰ را به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ ارسال فرمایید

علیرضا کمرئی، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش وپرورش: **ارزیابی‌ها نشان داد که آموزش در فضای مجازی در یادگیری موثر بوده است و این سیاست را دنبال خواهیم کرد. از ۸۴درصد دانش‌آموزانی که در شبکه شاد مشغول آموزش بوده‌اند، ۶۴درصد در شبکه‌های اجتماعی دیگر نیز درحال آموزش بوده‌اند.**